

قدرت نرم و امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران در پرتو بازتولید سرمایه اجتماعی

امیر قدسی^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۴/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۱/۸/۱۸

فصلنامه آفاق امنیت/ سال پنجم / شماره شانزدهم - پاییز ۱۳۹۱

چکیده

از دیربها مفهوم امنیت در مقام دانش‌واژه‌ای غلیظ، قابل حس و خواستنی، اما غیرشفاف، دیرادراک و توهم‌زا در تاریخ بشر حضور یافته و این ابهام در بستر تغییر و تحولات پیچیده ناشی از فشردگی زمان و مکان در عصر انقلاب فناوری ارتباطات- اطلاعات روزافزون شده است. شاید «زندگی امن» نخستین و عالی‌ترین تمنای بشر است، زیرا در سایه تحقق آن سایر درخواست‌ها امکان تحقق می‌یابد. از این رو، «جامعه امن» در نگاه استراتژیست‌های مدرن زیربنای توسعه پایدار تلقی می‌شود و در مقام اهمیت، همنشین قدرت و منافع ملی است.

هدف مقاله آن است که فرصت‌ها و چالش‌های تحقق امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران را با رویکرد قدرت نرم مورد بررسی قرار دهد. فرضیه تحقیق بر این پایه استوار است که افزایش سرمایه اجتماعی به افزایش قدرت نرم و افزایش قدرت نرم به امنیت پایدار می‌انجامد. از این رو، سرمایه اجتماعی به مثابه «چسب اجتماعی»، دستاوردی است از روابط بین افراد و گروه‌ها که بدون این روابط، به دست آوردن آنها ناممکن است. سرمایه اجتماعی می‌تواند موجب تقویت همکاری و به طور هم‌زمان گسترش روابط حمایتی دوجانبه (مردم- مردم و حاکمیت- مردم) شود. روش تحقیق بر پایه مطالعه اسناد مکتوب، اینترنتی و تحلیل محتواست. نتیجه تحقیق مؤید این حکم الهی است: «فمن اعتدی علیکم، فاعتدوا علیه بمثل مااعتدی علیکم». لازمه موفقیت و پیروزی در رزمگاه جنگ نرم به کارگیری سلاخی از همان جنس است.

واژگان کلیدی

امنیت پایدار، فرهنگ، سرمایه اجتماعی، قدرت نرم، جنگ نرم

۱. دانشجوی دکتری مطالعات فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

مقدمه

بسیاری از مفاهیم و نظریه‌هایی که در گذشته نه چندان دور به عنوان اصولی بی‌بدیل شناخته می‌شدند، در حال از دست دادن اعتبار محدود خود هستند. از این رو، در سال‌های اخیر، تلاش‌های معین و مداومی برای بازاندیشی در برخی مقولات فکری مرتبط با سیاست بین‌الملل و نواندیشی در پارادایم‌های مسلط صورت گرفته است. در نتیجه، بسیاری از مفاهیمی که پیشتر به منزله محصول خرد جمعی، جاویدان شناخته شده بودند، به صورت بنیادین مورد چالش قرار گرفته‌اند. نظریه‌های امنیتی هم در این رهگذر تحول، بی‌نصیب از چالش نبوده و شاید جلوه‌های این چالش در آن بسیار مشهودتر بوده است. تحلیلگرانی که زمانی در مورد تحولات، نظریه‌های قطعی می‌دادند، اکنون دچار هراس شده و این مفهوم بسیار مهم، یعنی امنیت را به صورت بی‌سابقه‌ای در معرض آزمون قرار داده‌اند.

از این منظر، به اعتقاد نگارنده، تنها نظریه انتقادی می‌تواند جذابیت نظری و جهت‌دهی هنجاری لازم را برای تلاش‌های صورت‌گرفته در راستای تجدید نظر در مفهوم امنیت برآورده کند. بر این اساس، می‌توان مطالعات جدید انتقادی امنیت را توسعه داد، زیرا رویکرد انتقادی این توان بالقوه را دارد که نه تنها مفهوم نظری از جهان معاصر و آسیب‌های آن را مورد تحلیل قرار دهد که راه‌های ممکن برای تفوق این واقعیت در کردارهای سیاسی را نیز نشان می‌دهد. بنابراین، بازسازی مفهوم انتقادی امنیت که در بطن مطالعات انتقادی امنیت قرار دارد، ما را در یافتن مسیر مطالعات یاری می‌دهد.

با تغییر رویکرد از جنبه‌های «سلبی» امنیت (با تأکید بر جنبه‌های فیزیکی برقراری امنیت) به سمت دیدگاه «ایجابی» که بر «رضایتمندی» و کسب «اعتماد» مردم به عنوان مبنای اصلی «امنیت» تأکید دارد، شاهد بازتولید مفاهیمی بدیع در ادبیات سیاسی ملل هستیم. از این رو، مطالعات و برنامه‌های امنیتی در سال‌های پایانی قرن بیستم به شدت متوجه مقولاتی چون «سرمایه اجتماعی» شده و حتی معادلات و توانمندی‌های نظامی و فناوری را در همین چارچوب فهم و تجزیه و تحلیل می‌کند. در نتیجه، دولت‌ها افزون بر سیاست‌های خود در حوزه افزایش توان نظامی، اقتصادی و فنی، لازم است به افزایش میزان سرمایه اجتماعی خود همت گمارند تا بتوانند در تأمین امنیت داخلی و ملی توفیق یابند. به عبارت دیگر، «تأمین امنیت،



بدون برخورداری از سرمایه قابل توجه در حوزه اجتماعی میسر نیست یا دست کم بسیار دشوار خواهد بود» (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۳).

با این بیان، هدف اساسی مقاله تبیین مفهومی بومی از اصطلاح «سرمایه اجتماعی» و ابعاد اثربخشی آن در برقراری امنیت پایدار در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.

۱. ضرورت‌های پژوهش

پرداختن به هر پژوهش و تحقیق مستلزم وجود مسئله و دغدغه‌ای است که پژوهشگر و محقق را در مسیر کشف حقیقت رهنمون می‌سازد. مقاله حاضر نیز بر این پایه و احساس ضرورت در توجه به وضعیت موجود و روند تولید سرمایه اجتماعی در ایران که معیاری برای سنجش قدرت نرم کشور است تدوین شده است. بخشی از اهم ضرورت‌های پژوهش عبارت است از:

نقش بی‌بدیل سرمایه اجتماعی در پیروزی انقلاب اسلامی و لزوم حفظ و ارتقای آن: بدون شک، سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در واقعی و ناب‌ترین شکل آن در صحنه انقلاب اسلامی ایران متجلی شد. پیروزی انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس مرهون شناخت کامل حضرت امام (ره) از تأثیر مهم این عامل بود و توانست با بهره‌گیری از این سرمایه معنوی بر قدرت سخت نظام حاکم غلبه یابد. تنوع و پراکندگی جغرافیایی اقوام در ایران: ایران جزء کشورهای دارای بالاترین تنوع و پراکندگی جغرافیایی قومی- قبیله‌ای است. از مؤلفه‌های اساسی در شکل‌گیری قدرت نرم ایجاد بالاترین مقبولیت نظام ارزشی میان اعضای جامعه است. در سرزمین ایران، امتداد قومیت‌ها در مناطق مرزی و آن سوی مرزها، از موضوعات قابل توجه است. از این رو، انسجام ملی و کاهش واگرایی از اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی در کسب بالاترین میزان قدرت نرم به شمار می‌آید.

ضرورت‌های راهبردی: سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ و برنامه‌های توسعه پنج ساله کشور، هر یک بر جنبه‌هایی از لزوم توجه به سرمایه اجتماعی تأکید دارند و این رویکرد، به ویژه در سال‌های اخیر پررنگ‌تر جلوه کرده است. از این رو، وظایف نهادهای تحقیقاتی و پژوهشی کشور بررسی و ترسیم راه‌های اجرایی شدن آن است.



۲. مفهوم‌شناسی تحقیق

الف) چستی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی^۱ در مقام یک دانش‌واژه، گرچه از اوایل دهه ۱۹۲۰ مطرح شد (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۰)، به لحاظ مفهومی فاقد پیشینه طولانی است و کاربرد آن به تدریج از دهه ۱۹۹۰ در تزاها و مقالات دانشگاهی با کار افرادی چون جیمز کلنن (Colman, 1990)، رابرت پوتنام (Putnam, 1995) و فرانسیس فوکویاما (Fukuyama, 1999) افزایش یافته است.

سرمایه - در معنای عام خود - دلالت بر مجموعه دارایی‌ها، امکانات و منابع در اختیار دارد. به طور کلی، «سرمایه» به عنوان ذخیره‌ای از دارایی‌ها که می‌توان انباشت و برای ایجاد ثروت آتی به کار گرفت، تعریف می‌شود. اساساً ایده‌ای که پیوندهای اجتماعی را به عنوان شکلی از سرمایه تشریح می‌کند، یک استعاره است. این استعاره بیانگر آن است که پیوندها می‌توانند سودمند باشند و مانند هر کدام از اشکال دیگر سرمایه می‌توانید در آن سرمایه‌گذاری کنید و برحسب میزان سرمایه‌گذاری، انتظار بازگشت سود مناسب را داشته باشید (قالیباف و قدسی، ۱۳۹۰: ۲۹).

مفهوم سرمایه اجتماعی ابتدا در عرصه اقتصاد مورد توجه قرار گرفت و عمدتاً معطوف نقش آن در تولید و افزایش سرمایه انسانی، اقتصادی و محیطی بود (بیکر، ۱۳۸۲: ۱۳)، اما به تدریج مورد اقبال اندیشمندان سایر حوزه‌ها، از جمله علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی قرار گرفت. رابرت پوتنام، اندیشمند سیاسی آمریکایی را می‌توان مدعی سهم زیادی از مردمی کردن اصطلاح سرمایه اجتماعی دانست (قدسی، ۱۳۸۹: ۱۲۳). از نظر او، سرمایه اجتماعی متشکل از ویژگی‌هایی از یک سازمان اجتماعی چون «اعتماد»، «هنجارها» و «شبکه‌ها» است که می‌توانند کارایی جامعه را از طریق تسهیل کنش‌های تعاونی بهبود بخشند (Putnam, 1993: 169). از نظر دوتوکویل، سرمایه اجتماعی یک «چسب اجتماعی» است و جیمز کلنن آن را به مثابه «کارت‌های اعتباری» در دست افراد جامعه می‌داند (کلنن، ۱۳۷۷: ۴۶۷).

سرمایه اجتماعی نوعی توانایی است که از گسترش اعتماد در یک یا بخش‌هایی خاص از آن ناشی می‌شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند در کوچک‌ترین و پایه‌ای‌ترین



گروه اجتماعی، یعنی خانواده، و نیز در بزرگ‌ترین گروه، یعنی ملت و در همه گروه‌های حد فاصل، تجسم یابد. سرمایه اجتماعی از روابط نهادی یک جامعه مدنی شاداب و مبتنی بر فردگرایی همبستگی‌محور و شهروندی فعالانه تشکیل شده است (پاول، ۱۳۸۷: ۱۳۲). آلبریت هیرشمن، فیلسوف علوم اجتماعی آلمانی، سرمایه اجتماعی را «منبع اخلاقی» می‌نامد؛ یعنی منبعی که بر خلاف سرمایه فیزیکی، به تبع استفاده، افزایش می‌یابد، نه نقصان و بر اثر استفاده نکردن نابود می‌شود (پوتنام، ۱۳۸۴: ۱۰۰). در نگاه پوتنام، ویژگی بازتولیدی سرمایه اجتماعی موجب تعامل اجتماعی، همراه با سطح بالای همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می‌شود (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۳۱).

عبارات و اصطلاحات کلیدی در خصوص مفهوم سرمایه اجتماعی

عبارات کلیدی	اندیشمند
دارایی گروهی و جمعی	کلمن
شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد جمعی تسهیل‌کننده هماهنگی و تعاون برای تحقق نفع متقابل	پوتنام
شبکه شخصی و پیوستگی‌های نهادی	بلی و همکاران
فرصت‌های عاید در شبکه‌های اجتماعی	بارت
فرهنگ اعتماد و مدارا	اینگلهارت
نیت خیر، حسن نیت، نیک‌خواهی	آدلر و کوان
مجموعه منابع بالفعل و بالقوه فرد در شبکه اجتماعی	نهایپایت
منبع اخلاقی	هیرشمن
تولیدکننده اعتبار اجتماعی، تسهیل‌کننده مبادلات و جریان اطلاعات، منابع نهفته	لین

هم‌چنین اصطلاح سرمایه اجتماعی با عناوینی چون انرژی اجتماعی^۱، روحیه جماعتی^۲، پیوستگی‌های اجتماعی^۳، فضیلت مدنی^۴، شبکه‌های محلی^۵، لطافت

- 1 . Social Energy
- 2 . Community Spirit
- 3 . Social Bands
- 4 . Civic Virtue
- 5 . Community Networks

اجتماعی،^۱ دوستی‌های گسترده،^۲ زندگی جماعتی،^۳ همسایگی خوب،^۴ چسب اجتماعی،^۵ سنت مدنی،^۶ مدنیت،^۷ مداخله مدنی^۸ و تور ایمنی^۹ به کار می‌رود. بدیهی است در خصوص سازه پیچیده و فرّاری چون سرمایه اجتماعی نمی‌توان هرگز مدعی داشتن نگاه و تعریف جامع و مانع بود. آثار، نظریه‌ها و مفاهیم تولیدی، هر کدام از سنت‌ها و نگاه ارزشی و هنجاری خاص پیروی می‌کند و نوعی تقلیل‌گرایی مفهومی بینشی و روش‌شناختی را در خود دارد.

ب) چیستی امنیت

معنای لغوی امنیت «رهایی از خطر، تهدید، آسیب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین و ضمانت است» (ماندال، ۱۳۷۹: ۴۴). از دیرباز مفهوم امنیت در مقام دانش‌واژه‌ای غلیظ، قابل حس و خواستنی، اما غیرشفاف، دیردراک و توهم‌زا، در تاریخ بشر حضور دارد و این ابهام - به تعبیر سوسوری آن - با هم‌نشینی و هم‌زمانی با فراز و نشیب‌ها و تغییر و تحولات پیچیده تاریخ حیات بشری به جانشینی و در زمانی با مفهوم «ابهام» درآمیخته است (زنگنه، ۱۳۸۳). شاید «زندگی امن» نخستین تمنای بشر بوده است، زیرا عالی‌ترین درخواست بشر در مقام انسان سالم، تعالی‌طلب و متأثر از فطرت پاک انسانی (یعنی آزادی) در پرتو وجود امنیت حاصل می‌آید. از همین رو، «جامعه امن» در منظر استراتژیست‌های مدرن، زیربنای توسعه پایدار تلقی می‌شود و در مقام اهمیت، جانشین قدرت و هم‌نشین منافع ملی است. امنیت، مفهومی چندوجهی است و به همین علت، درباره معنای آن اختلاف نظر زیادی وجود دارد، اما در مجموع می‌توان از تعاریف ارائه‌شده در مورد امنیت، نقاط مشترک ذیل را برداشت کرد:

- 1 . Social Ozone
- 2 . Extended Friendships
- 3 . Community Life
- 4 . Good Neighborliness
- 5 . Social Glue
- 6 . Civic Tradition
- 7 . Civilization
- 8 . Civic Involvement
- 9 . Safety Net



۱. امنیت یک ارزش است و اغلب ارزشی برای رسیدن به سایر ارزش‌هاست.
 ۲. امنیت همیشه در حال تغییر است و در درجات مختلف وجود خواهد داشت.
 برخی ملت‌ها یا افراد به دلایل گوناگون خود را بیشتر از سایرین امن احساس می‌کنند.
 میزان تهدید یا خطر، تعداد ارزش‌هایی که باید حمایت شوند، و انتظارات از آینده ممکن است متفاوت باشند.

۳. امنیت نه فقط نگرانی در مورد حفاظت از ارزش‌هایی است که قبلاً به دست آورده شده‌اند، بلکه مربوط به انتظارات ما در مورد ارزش‌های آینده نیز می‌شود.
 ۴. امنیت به حداقل رساندن خطر یا تهدید را دربرمی‌گیرد. این تهدیدها نه فقط از نوع سنتی و نظامی، که تهدیدهای جدید غیرنظامی نسبت به رفاه ملی را نیز شامل می‌شود (ماندال، ۱۳۷۹: ۷۶).

در نظام بین‌الملل، کشورها از لحاظ امکانات و توانایی‌های مادی و معنوی و هم‌چنین آرمان‌ها و راهبردها در یک سطح قرار نداشته و از این رو، منافع آنها گاه در تزاخم و تضاد با یکدیگر قرار می‌گیرد و این امر به بروز درگیری بین آنها می‌انجامد. بر این اساس، برنامه‌ریزی و تلاش مستمر برای تأمین امنیت ملی یا گسترش دامنه آن، همواره یکی از مهم‌ترین اولویت کشورها محسوب می‌شود و بدین علت به تدوین راهبردی امنیت ملی می‌پردازند.

۳. پیوند امنیت و سرمایه اجتماعی

با نگاهی به سیر تحول الگوهای تأمین امنیت ملی می‌توان بین دو دیدگاه اصلی (سلبی و ایجابی) از یکدیگر تمایز قایل شد. «در حالی که دیدگاه سلبی^۱ بر نبود «تهدید» تأکید دارد و امنیت را وضعیتی تلقی می‌کند که در آن تهدیدی برای ارزش‌های بازیگر مقابل وجود نداشته باشد، دیدگاه ایجابی^۲ آن را وضعیتی خاص می‌داند که افزون بر نبود «تهدید»، تعادلی بین «خواسته‌های شهروندی» و «کارویژه‌های دولتی» وجود داشته باشد» (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۸-۱۱). متأثر از همین تفاوت، امنیت در دیدگاه سنتی بیشتر جنبه «نظامی» یافته است و مقولاتی چون جنگ و نزاع در کانون آن قرار دارد و در دیدگاه ایجابی، ماهیتی متفاوت و معطوف به «مردم» دارد؛ بدین صورت که

1 . Negative

2 . Positive

ایجاد «رضایتمندی» و کسب «اعتماد» مردم، مبنای اصلی «امنیت» به شمار می‌آید. با این تعریف ساده مشخص می‌شود مطالعات و برنامه‌های امنیتی در سال‌های پایانی قرن بیستم به شدت متوجه مقولاتی چون «سرمایه اجتماعی» شده و حتی معادلات و توانمندی‌های نظامی و فناوری را در همین چارچوب فهم و تجزیه و تحلیل می‌کند. نتیجه آنکه، دولت‌ها افزون بر سیاست‌های خود در حوزه افزایش توان نظامی، اقتصادی و فنی، به افزایش میزان سرمایه اجتماعی‌شان همت می‌گمارند تا بتوانند در تأمین امنیت داخلی و ملی‌شان توفیق یابند. به عبارت دیگر، تأمین امنیت، بدون برخورداری از سرمایه قابل توجه در حوزه اجتماعی، میسر نیست یا دست‌کم بسیار دشوار خواهد بود (پیشین، ص ۲۳).

اهمیت نظری و کاربردی «سرمایه اجتماعی» اقتضای تلاش برای درک بومی آن دارد. اهمیت اقدام از آنجا ناشی می‌شود که منابع، شیوه‌ها و مصادیق سرمایه اجتماعی در جامعه ایرانی - به دلیل نوع ساخت سیاسی و اجتماعی - متفاوت با الگوهای متعارف جاری است و همین امر، ظرفیت‌های مفهومی و ارزش راهبردی آن را متمایز می‌کند. جمهوری اسلامی ایران نخستین حکومتی است که در عصر جدید داعیه پیروی و اعمال اصول اسلامی در سیاست دارد. پایه‌های اعتقادی این حکومت برگرفته از تفسیری خاص از اسلام است. به تعبیر فرد هالیدی، انقلاب اسلامی ایران نخستین انقلاب در تاریخ جدید (پس از انقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹) است که ایدئولوژی حاکم، شکل سازمان، اعضای رهبری‌کننده و هدف‌های اعلام‌شده آن، هم در ظاهر و هم در باطن، مذهبی بوده است (نظر آهاری، ۱۳۷۵: ۵۳). نظام حاصل از این انقلاب نیز کاملاً بر پایه‌های ایدئولوژی اسلامی استوار شده است. بنابراین، طرح مقولات در عرصه سیاست و حکومت جمهوری اسلامی ایران بدون یادآوری و تبیین جنبه اسلامی آن نامفهوم خواهد بود.

معیار توجه به هر پدیده را می‌توان در تدوین اسناد بالادستی هر حکومت جست‌وجو کرد. سند چشم‌انداز بیست ساله و برنامه‌های پنج ساله توسعه از اسناد بالادستی نظام محسوب می‌شوند که در سال‌های اخیر هر یک به نوعی بر لزوم توجه به «سرمایه اجتماعی» تأکید کرده‌اند.

بر پایه سند چشم‌انداز کشور در افق ۱۴۰۴ که بر اجرایی شدن دقیق آن از سوی رهبری نظام تأکید شده، «ایران کشوری است توسعه‌یافته، متکی بر اصول اخلاقی و



ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی، برخوردار از سلامت، رفاه، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، دور از فقر، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب، فعال، مسئولیت‌پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.» چنان‌که ملاحظه می‌شود، امنیت اجتماعی و قضایی منوط به ایجاد سرمایه اجتماعی بیان شده و دستیابی به سایر اهداف، از جمله نهاد مستحکم خانواده، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، ایثارگری، وجدان کار، رضایتمندی، تعاون، سازگاری اجتماعی و نظایر آن در گرو ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی خواهد بود. از این رو، یکی از پایه‌های توفیق در برقراری امنیت پایدار، توجه به تقویت، تولید و بازتولید سرمایه اجتماعی در کشور است.

ماده ۹۸ برنامه چهارم توسعه کشور نیز دولت را مکلف کرده است برای حفظ و ارتقای سرمایه اجتماعی اقدامات ذیل را به انجام رساند:

۱. تهیه سازوکارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی کشور و ارائه گزارش سالانه و بررسی علل و عوامل اثرگذار بر آن؛
۲. تصویب سازوکارهای اجرایی لازم برای افزایش سرمایه اجتماعی، اعم از اعتماد عمومی، وفاق اجتماعی و قانون‌گرایی؛
۳. ارزیابی و انتشار گزارش‌های رضایتمندی عمومی به صورت سالانه و تحلیل تغییرات آن بر اثر عملکرد عمومی حاکمیت؛
۴. تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار.

به رغم تأکیدات و وظایف محوله، از سال ۱۳۸۲ گزارشی از مطالعات ملی درباره ارزیابی سرمایه اجتماعی در ایران به صورت رسمی منتشر نشده است (مصطفوی، ۱۳۸۷).

در ماده ۴۴ برنامه پنجم توسعه نیز «تحکیم و ارتقای امنیت پایدار، فراگیر و تضمین‌کننده اهداف و منافع ملی» بر پایه اجرای اقدامات زیر آمده است:

۱. تقویت نقش مردم و اطلاعات مردمی در پیشگیری از تحرکات ضد امنیتی؛



۲. تقویت و تعامل مؤثر دستگاه‌های اطلاعاتی، انتظامی و قضایی و هماهنگی بین آنها برای تأمین اشراف اطلاعاتی و مقابله با هر نوع اخلاف در امنیت عمومی، اقتصادی و اجتماعی و مقابله با تهدیدهای نرم؛

۳. ایجاد سامانه یکپارچه نرم‌افزاری اطلاعاتی، ارتقای سطح حفاظت از اطلاعات رایانه‌ای، توسعه علوم و فناوری‌های مرتبط با حفظ امنیت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی به منظور صیانت از فضای تبادل اطلاعات، تقویت فنی برای مقابله با تخلفات در فضاهای رایانه‌ای و صیانت از حریم فردی و عمومی؛

۴. تقویت زیرساخت‌های انسجام و همبستگی ملی برای پیشگیری و مقابله با عوامل بروز گسست‌های هویتی، اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی. با نگاهی اجمالی به بندهای یادشده، دستیابی به این اهداف در گرو ایجاد و تقویت مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی چون اعتماد، پیوند، همراهی و وفاداری‌های اجتماعی خواهد بود.

بررسی عملکردهای انجام‌شده در قالب جنگ نرم نیز نشان می‌دهد که اجرای این نوع جنگ، بر مبنای تحت تأثیر قرار دادن برخی عوامل و زمینه‌هاست. اهمیت این مؤلفه‌ها به اندازه‌ای است که تحت تأثیر قرار دادن آنها منتج به آشفتگی ملی، بی‌ثباتی سیاسی و عدم تعادل راهبردی خواهد شد. از هدف‌های اصلی جنگ نرم از بین بردن یا تضعیف سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی ناظر بر شاخص‌هایی است که به تقویت شبکه روابط اجتماعی و تسهیل فرایند گردش امور در این شبکه و در نهایت افزایش کارآمدی، در عین ثبات یا کاهش هزینه‌های فعالیت در آن دلالت دارد.

از عناصر اصلی سرمایه اجتماعی، «اعتماد» است. اعتماد درون‌مایه سرمایه اجتماعی و از عناصر امنیت‌آفرین است. انسان‌ها در پرتو اعتماد به یکدیگر از نوعی احساس امنیت و آرامش برخوردار می‌شوند و از آنجا که اعتماد نوعی رفتار ضابطه‌مند را شکل می‌بخشد، جایگزین بسیاری از منابع قدرتی می‌شود که در پی وادار کردن افراد به اجرای رفتارهای ضابطه‌مند هستند. شبکه غیررسمی مراعات متقابل (شامل گونه‌های خاصی از روابط مانند دوستی، ارتباطات خانوادگی یا مناسبات متقابل فرهنگی)، شبکه رسمی نظارت بر حسن اجرای ضوابط و شبکه فرارسمی تعهدات اخلاقی (شامل الزام‌های فردی و جمعی به اصول اخلاقی با ماهیت فرارسمی)، در تولید اعتماد بسیار حایز اهمیت است.



«اعتبار» عنصر دیگر سرمایه اجتماعی است. اعتبار شامل ابعادی از سرمایه اجتماعی می‌شود که در حکم پشتیبان بازیگرند. به عبارتی، تصمیم‌های بیان‌شده به استناد به این منابع، معنای اجرایی می‌یابند و مخاطب نسبت به اجرا و تأثیرگذاری آنها اطمینان حاصل می‌کند. اعتبار منبع اصلی تعیین ظرفیت هر یک از بازیگران برای اقدام یا گمانه‌زنی در مورد نوع رفتار سایر رقبا و بازیگران مطرح است. کارایی نهادهای امنیت‌بخش و امنیت‌افزا در جامعه، در صورتی قرین توفیق خواهد بود که از اعتبار اجتماعی کافی برخوردار باشد و هر گونه خدشه در این اعتبار موجب کاهش کارایی خواهد شد.

«روابط» و «مشارکت»، «دگرخواهی» و «وفاداری»، «امید» و «امیدواری» از اجزای شکل‌دهنده سرمایه اجتماعی و به عبارتی، ثمره و نتیجه عملیاتی سرمایه اجتماعی هستند. در حقیقت، تمام این اجزا و عناصر را می‌توان «عناصر نامریی امنیت» برای هر جامعه دانست. «بخش قابل توجهی از سرمایه اجتماعی با امیدهایی در ارتباط است که گر چه ممکن است با نتایج عینی موجود مطابق نباشد، اما مخاطب را به پیروی و اطاعت و امید بهره‌مندی از مزایای آتی وامی‌دارد» (افتخاری، ۱۳۸۹: ۳۱۴).

بنابراین، امیدآفرینی، نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه، اعتمادافزایی، به ویژه با رفتار و عملکرد مسئولان و حسن ظن می‌تواند در افزایش قدرت نرم و ناکامی جنگ نرم دشمن مؤثر واقع شود. در نگاه مقام معظم رهبری: «دشمنان ما بیش از آنکه به منابع طبیعی ما چشم طمع داشته باشند، به منابع انسانی که منابع قدرت ما هستند چشم طمع دارند. آنها می‌دانند اگر این سرمایه‌های اجتماعی از دست یک ملت گرفته شود، اگر یک ملت غیرت ملی و وحدت و همبستگی خود را از دست بدهد، اگر نشاط کار و ابتکار را از دست بدهد، اگر حرکت علمی رو به پیشرفت خود را از دست بدهد، کاملاً در دسترس دشمنان قرار خواهد گرفت. می‌توانند راحت به او زور بگویند. می‌توانند بر او سلطه پیدا کنند. می‌توانند منابع طبیعی و مادی او را هم غارت کنند» (دیدار با مردم استان همدان، ۸۲/۵/۱۵).

۴. سرمایه اجتماعی در سیر تحولات انقلاب اسلامی

سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و گروهی، احساس وجود تصویری مشترک

از آینده و کارگروهی در یک نظام اجتماعی دانست. در صحنه انقلاب اسلامی، اعتماد و تعامل اجتماعی مردم و فراموش کردن اختلافات نوعی باشکوه از احساس هویت جمعی و گروهی را به وجود آورد. رهبری بی‌بدیل امام خمینی (ره) و اقدامات اعتمادآفرین ایشان، از دیگر کارکردهای سرمایه اجتماعی در به ثمر نشاندن انقلاب اسلامی است. علاوه بر اعتماد بسیار بالای مردم به شخص امام خمینی (ره)، ایشان توانست با ظرفیت‌سازی و اعتمادسازی‌هایی چون تربیت کادرهای انقلابی و معتمد، اعتماد به نخبگان سیاسی و به صحنه آوردن آنها و همچنین اقداماتی چون برگزاری همه‌پرسی‌های گسترده که بر اساس آن همه ساختارها و مقامات عالی‌رتبه نظام با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شوند، مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی را به صورت عینی به خدمت گیرد.

در مقطع حساس و سرنوشت‌ساز پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز بهره‌های فراوانی از سرمایه اجتماعی حاصل شد. در این مقطع، به ویژه در رخداد جنگ تحمیلی، این کارکرد استمرار یافت. از جمله اعتماد به نفس فوق‌العاده حضرت امام موجب اعتماد به نفس آحاد مردم و پشتیبانی بی‌دریغ آنها از آرمان‌های ایشان شد. به تعبیری، عمر بیش از سی ساله انقلاب اسلامی ایران نشان می‌دهد که این نظام مرهون یکی از عوامل مهم تداوم و پایداری خود، یعنی حمایت‌های مردمی، انباشت و توسعه «سرمایه اجتماعی» است.

اما سرمایه اجتماعی همانند تمام سرمایه‌ها، نیازمند مراقبت و نگهداری است تا آفات موجود بر سر راه مانع رشد یا نابودی آن نشود. چنان‌که بیان شد، از جمله ارکان مهم سرمایه اجتماعی اعتماد و مشارکت‌های اجتماعی است. این اعتماد می‌تواند در عرصه‌های مختلف هم‌چون اعتماد مردم به یکدیگر، اعتماد مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد نهادهای یادشده به یکدیگر و اعتماد حکومت و این نهادها به مردم تجلی یابد. از سوی دیگر، درستکاری، صداقت، وفای به عهد، انصاف و عدالت ارزش‌های اعتمادآفرین‌اند. سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو شکل متبلور دانست: ۱. سرمایه اجتماعی درون‌گروهی (مثل خانواده)؛ ۲. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی.

عده‌ای از جامعه‌شناسان بر این باورند که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، یعنی روابط بین افراد در ایران نیازمند تقویت بیشتر است. به عقیده آنها، سرمایه اجتماعی در ایران در قالب نمادهایی چون هیأت‌های خودجوش مذهبی خود را نمایان می‌کند.



تشکیل هیأت‌های عزاداری، کمک به زلزله‌زدگان، آسیب‌دیدگان و... از جمله این موارد است. اما در شرایطی غیر از مواقع اضطراری یا خاص، سرمایه اجتماعی در جامعه کم‌رنگ می‌شود و در بسیاری موارد اصولاً به چشم نمی‌آید (علاقه‌بندی، ۱۳۸۴).

میزان سرمایه اجتماعی در هر جامعه بر مبنای دو روش مورد سنجش قرار می‌گیرد:

۱. میزان کارکرد مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه (اعتماد، ارتباط، مشارکت و وفاداری‌های اجتماعی) که از آن به روش مثبت‌گرا نیز یاد می‌شود.

۲. میزان وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی (قتل، بزهکاری، کلاهبرداری و نظایر آن) که از آن به روش منفی‌گرا یاد می‌شود.

در مطالعات و تحقیقات صورت گرفته، به نظر می‌رسد هنوز مفهوم همکاری گروهی و سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی کشورمان شناخته‌شده نیست و میزان این سرمایه در وضعیتی نامطلوب قرار دارد. گواه این مطلب، افزایش چشم‌گیر تعهدهای محضری در انواع گوناگون معاملات مالی و پولی است؛ به گونه‌ای که اگر به موقع مدرک و سند معتبر و محکمی از طرف مقابل گرفته نشود، دل مشغولی فراوانی برای طرف دیگر معامله به وجود می‌آورد و احتمال خسران در معامله افزایش می‌یابد. نگاهی به آمار پرونده‌های متعدد دادگاه‌های گوناگون نیز گواهی محکم‌تر بر این ادعاست.

بر همین پایه، میزان اعتماد افراد درون خانواده‌ها و آشنایان بیشتر از میزان اعتماد آنها به نهادها و ارگان‌های دولتی است. علاوه بر آن، میزان مشارکت غیررسمی افراد در فعالیت‌هایی چون شرکت در انجمن‌های خیریه و هیأت‌های مذهبی و دید و بازدیدها، بیشتر از میزان مشارکت رسمی آنها در کارهایی مثل شرکت در انتخابات گوناگون، بر عهده گرفتن مسئولیت رسمی است. آمارها نشان می‌دهد مردم به اعضای خانواده، دوستان و اقوام خود بیشتر از مردم دیگر، دولت و نهادها اعتماد دارند. گزارش دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۸۰ برای سنجش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان نشان می‌دهد که ۸۸/۴ درصد مردم به اعضای خانواده خود بسیار زیاد اعتماد دارند. این رقم درباره اقوام ۴۹ درصد و درباره دوستان نیز ۴۹ درصد بوده است. در مقابل، مردم یکدیگر را تا اندازه ۴/۳ درصد مورد اعتماد ارزیابی کرده‌اند. علاوه بر آن، نتایج تحقیق «سنجش اعتماد اجتماعی» با دو معرف اعتماد به مردم و اعتماد به مسئولان نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، اعتماد مردم نسبت به هم در مقیاس پنج بخشی (از سطح خیلی کم تا خیلی زیاد) عبارت است از: ۶۷/۸ درصد، ۱۸/۴

درصد، ۹/۸ درصد، ۰/۹ درصد، ۳/۲ درصد و همچنین اعتماد مردم نسبت به مسئولان به همین ترتیب عبارت است از: ۴۴/۲ درصد، ۲۱/۳ درصد، ۲۴/۲ درصد، ۶/۱ درصد، ۴/۱ درصد (رفیع پور، ۱۳۷۳). این آمار خود نشان‌دهنده میزان بالای بی‌اعتمادی مردم حتی نسبت به یکدیگر و شهروندان است که می‌تواند بیانگر پایین آمدن اعتماد مردم به دستگاه‌ها و ارگان‌های رسمی کشور باشد. این نوع بی‌اعتمادی‌ها نسبت به یکدیگر در روابط خانوادگی نیز دیده می‌شود که ممکن است سرچشمه بسیاری از مشکلات و حتی طلاق‌ها باشد. بر پایه آمار به‌دست‌آمده، میزان طلاق از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ سیری صعودی داشته است (علاقه‌بند، ۱۳۸۴: ۱۳۰). به استناد آمارهای ثبت‌شده، میان میزان مشارکت غیررسمی افراد با مشارکت رسمی آنها تفاوت‌هایی وجود دارد. میانگین تعداد موارد رفت و آمد با اقوام نسبت به رفت و آمد با همکاران بیشتر است. تعداد موارد رفت و آمد افراد با اقوام ۳/۸ درصد، همسایه‌ها ۳/۹ درصد، دوستان ۲/۴ درصد و با همکاران ۱/۶ درصد مرتبه در ماه است (رجب‌زاده، ۱۳۸۲: ۶۸). رواج قانون‌شکنی، بالا رفتن میزان تعهدات محضری، افزایش تجهیزات کنترل افراد، عدم رعایت حقوق شهروندی و بسیاری موارد دیگر، از جمله دلایل نزول اعتماد و مشارکت در جامعه و به تبع آن، کاهش امنیت اجتماعی است.

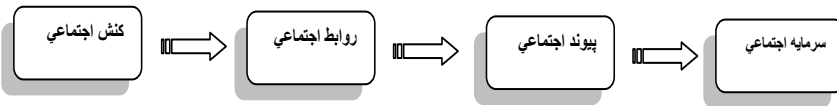
براساس این اطلاعات و تحقیقات صورت‌گرفته دیگر می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میزان سرمایه اجتماعی درون‌گروهی در ایران، بیشتر از میزان سرمایه برون‌گروهی است و جامعه ما بیشتر به نوعی همکاری و تعاون خودجوش در قالب فعالیت‌های غیررسمی گرایش دارند.

۵. راهبردها و راهکارهای افزایش سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار

امروز در ارزیابی معادلات قدرت، سرمایه اجتماعی از جمله عوامل ایجادکننده قدرت نرم هر کشور و جامعه محسوب می‌شود و از نتایج آن می‌توان به برقراری امنیت پایدار اشاره کرد، زیرا وجود عواملی هم‌چون وفاداری، اعتماد و امید، مبانی و شالوده‌های نظم و نظام اجتماعی را مستحکم می‌کند و باعث تقویت انسجام اجتماعی می‌شود.

سرمایه اجتماعی را می‌توان به مثابه منبع کنش جمعی در نظر گرفت که منتهی به نتایجی وسیع می‌شود. سرمایه اجتماعی نشانه جامعه‌ای قوی است و بخشی از فرایند «ظرفیت‌سازی»^۱ است.





سرمایه اجتماعی از دیدگاه وبر (غفاری، ۱۳۹۰: ۷۳)

به عبارتی، اهمیت این مقوله به اندازه‌ای است که موفقیت جوامع، افراد و به نوعی امنیت جامعه به آن بستگی دارد (Stone, 2000: 25- 27).
با این مقدمه، برخی راهبردها و راهکارهای ایجاد، توسعه و تعمیق سرمایه اجتماعی که از نتایج عینی و ملموس آن می‌توان به ایجاد امنیت اجتماعی پایدار اشاره کرد، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف) آسیب‌شناسی علل عدم شکل‌گیری مطلوب سرمایه اجتماعی

اصطلاح آسیب‌شناسی معادل واژه Pathology در زبان انگلیسی است که در رشته‌های مختلف علوم طبیعی، انسانی و پایه دارای کاربرد است. هدف از مطالعات آسیب‌شناسانه در حوزه‌های مختلف علوم تکمیل و تأمین فرایندهای سه‌گانه شناسایی، تشخیص، پیشگیری یا درمان است که برآیند این فرایند پیشنهاد راه‌حل‌های مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌هاست (رضایی، ۱۳۸۷: ۷۴).

در فرهنگ واژگان تعاریفی برای اصطلاح آسیب‌شناسی آمده، از جمله «حالتی زیست‌شناختی که در آن یک ارگانیزم از عملکرد صحیح و مناسب منع شده است» (رهنمایی، بی‌تا). بنابراین، پاتولوژیست‌ها^۱ آن دسته از متخصصین پزشکی‌اند که با نابهنجاری‌های ارگانیک سر و کار دارند. به نظر می‌رسد سطوح چهارگانه زیر دربرگیرنده موارد مختلف شکل‌گیری آسیب باشد:

۱. مسئله:^۲ در این مرحله، سؤال‌ها و ابهاماتی برای جامعه به وجود می‌آید که اگر متولیان امور و نهادهای تفکر اجتماعی به خوبی و موقع مناسب به آنها پاسخ ندهند، باید در انتظار شکل‌گیری سطحی دیگر از آسیب بود و توان و انرژی مضاعفی را مصروف حل آن کرد. از ویژگی‌های انسان‌های بصیر، مسئله‌یابی است و با بستن چشم‌ها اصولاً مسئله‌ای مشاهده نمی‌شود!

1 . Pathologists

2 . Issue

۲. مشکل^۱: این سطح از آسیب، در بدیهی‌ترین شکل آن زمانی شکل می‌گیرد که پاسخ‌های مناسب به سؤال‌ها و ابهامات موجود جامعه داده نشود یا در مسیر دستیابی به اهداف مد نظر توفیقی حاصل نگردد.

۳. بحران^۲: در صورت عدم توانایی در شناخت مسئله، تشخیص مشکل و عدم به کارگیری تمهیدات لازم برای مقابله با آن بحران ایجاد می‌شود که حل آن مستلزم تلاش مضاعف، هزینه و وقت بیشتر است و احتمال تأثیرگذاری نیز ضعیف‌تر خواهد بود.

۴. فاجعه^۳: شکل‌گیری فاجعه، نتیجه نهایت بی‌توجهی به مسئله، مشکل و بحران است و معمولاً بر اثر هجوم چندین بحران شکل می‌گیرد و رفع آن اغلب ناممکن است. بنابراین، مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز در خصوص علل عدم رشد و توسعه مطلوب سرمایه اجتماعی با رویکرد آسیب‌شناسانه، از ضرورت‌های توفیق در این مسیر است.

ب) لزوم تغییر رویکرد در امنیت‌سازی

امنیت، همانند بسیاری واژگان موجود در ادبیات ملل، در سیر تطور مفهومی خود، از گستره معنایی وسیعی برخوردار شده و از این رو، امروز ابعادی وسیع و متنوع از مفهوم امنیت وجود دارد. چنان که بیان شد، تا زمان درک اهمیت مؤلفه‌های ذهنی امنیت‌آفرین، اعتقاد راسخ، مبتنی بر بی‌بدیل بودن ابزارهای فیزیکی و رویکردهای سلبی برای ایجاد امنیت در جامعه بود. اما امروز «حکمرانی مطلوب امنیتی، امنیت را به عنوان خیری جمعی، ارزشمند می‌شمرد و مفهوم «دولت درستکار» را به عنوان پیش‌شرط ارتباط سازنده میان نهادهای امنیتی، دولت و اجتماعات محلی می‌پذیرد (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

با این توصیف، لزوم تغییر رویکرد از جنبه‌های سلبی به سمت جنبه‌های ایجابی برقراری امنیت، بیش از پیش احساس می‌شود. توان و نیروی مورد نیاز برای تحقق و تأمین امنیت ایجابی، با توان و نیروی نیازمند برای تحقق امنیت سلبی، متفاوت است و اینجا به قابلیت‌ها و توانایی استفاده از دانش و سازوکارهای ارتباطی و رسانه‌ای

- 1 . Problem
- 2 . Crisis
- 3 . Catastrophe



نیاز است. به تعبیری، در وجه سلبی، به توانایی‌های سخت‌افزاری نیاز است و در بُعد ایجابی، باید به توانمندی‌های نرم‌افزاری مجهز بود.

ج) تقویت و تعمیق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جامعه

با دقت و تأمل در مفاهیمی مانند «اعتماد»، «اعتبار»، «وفاداری» و «امید» به مثابه شاخص‌های سنجش سرمایه اجتماعی، یکی از اهداف مهم جنگ نرم، مخدوش‌سازی و تزلزل در این مؤلفه‌هاست. اگر حریف بتواند در جامعه‌ای اعتماد میان مردم با یکدیگر و حکومت را مخدوش کند، «اعتبار» موجود را تضعیف کند، وفاداری‌ها را تقلیل دهد و امیدها را کم‌وزن کند یا از بین ببرد، توانسته است شالوده‌های امنیت‌آفرینی را سست کند و آن کشور را در معرض ناامنی و فروپاشی قرار دهد.

در ادامه، بیانات مقام معظم رهبری در خصوص هر یک از مؤلفه‌های مرتبط با بحث به عنوان راهبردهای افزایش سرمایه اجتماعی و دستیابی به امنیت پایدار مورد استناد قرار می‌گیرد. مقام معظم رهبری در ترسیم وظایف خطیر رسانه ملی - به عنوان اصلی‌ترین نهاد فرهنگ‌ساز کشور- «اعتمادسازی» را مهم‌ترین رسالت این نهاد معرفی می‌کند: «رسانه ملی اگر بخواهد به عنوان مهم‌ترین ابزار فرهنگی در کشور از عهده این کار بر بیاید، باید این چیزها را در خود تأمین کند: امین نظام باشد؛ مورد اعتماد مردم باشد؛ برخوردار از مزیت‌های رقابتی باشد» (۱۳۸۳/۹/۱۱).

از دیگر اقدامات اعتمادساز ایجاد بستر و فضاهای تعامل و نقد و ظرفیت‌سازی به منظور پاسخگویی مطلوب به سؤال‌ها و شبهه‌های جامعه است. چنان‌که بیان شد، بحران‌های اجتماعی (و به دنبال آن ناامنی اجتماعی)، به صورتی گسترده بر اثر عدم پاسخگویی به موقع به سؤال‌ها و مشکلات جامعه بروز و ظهور می‌یابد و در جامعه‌ای با ویژگی‌های خاص ایدئولوژیک چون جامعه ایران، پاسخگویی به شبهه‌ها در مورد ارزش‌های دینی و هنجارهای مذهبی بسیار حایز اهمیت است. مقام معظم رهبری پاسخگویی مناسب به این ضرورت حیاتی را در ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی و تبادل آرا و اندیشه‌ها برای جریان‌های سیاسی کشور دانسته و می‌فرماید: «بهترین زمینه برای ایجاد فضای اظهار نظر آزاد، تسریع در راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌هاست» (دیدار با استادان و نخبگان کشور، ۸/۸/۸۸).

ایشان ترویج «امید» در جامعه را سبب پویایی جامعه و ناامیدی دشمنان می‌دانند



و می‌فرمایند: «مخدوش کردن نشانه‌های امید و تبدیل آنها به نشانه‌های یأس و تردید، و القای بن‌بست و سیاه‌نمایی و در نهایت گرفتن پویایی جامعه یکی از خطوط مخالفان است» (دیدار رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس و خبرگان رهبری، ۸۸/۷/۲).

معظم له با درک عمیق این موضوع که ناامنی ریشه در عدم اطمینان نسبت به آینده و عدم توانایی در کنترل آینده دارد، در دیدار با نخبگان بیان می‌دارند: «مواظب باشید نگاهتان به آینده نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به دنبالش بی‌عملی، به دنبالش بی‌حرکی، به دنبالش انزواست. مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همان است که دشمن می‌خواهد» (دیدار با دانشجویان و نخبگان، ۸۸/۶/۴).

اعتماد به نفس از دیگر عوامل و بسترهای ایجاد سرمایه اجتماعی است، زیرا جامعه متزلزل و فاقد اراده برای ریسک، هیچ‌گاه قادر نخواهد بود به جایگاه شایسته خود دست یابد. در هر رویارویی، طرفی به برتری می‌رسد که نیروهایش از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار باشند. از این رو، اعتماد به نفس از جمله شروط لازم برای نیل به پیروزی است. وجود اعتماد به نفس به معنی بالا بودن روحیه و برآیندی از داشتن امید و انگیزه است. ایجاد سلطه بر جوامعی که افراد آن دارای اعتماد به نفس اند، بسیار دشوار خواهد بود. رهبری در این خصوص نیز تأکید دارند: «چرا من مسئله اعتماد به نفس را اصلاً مطرح می‌کنم؟ مگر در کشور چه اتفاقی افتاده که بنده اصرار دارم روی اعتماد به نفس ملتمان یا جوانانمان تکیه کنم؟ توضیحی وجود دارد. ملت ما بر اثر انقلاب، بر اثر دفاع مقدس، بر اثر تأثیر شخصیت ویژه امام خمینی(ره) که در ایجاد اعتماد به نفس ملی، شخص امام و عناصر تشکیل‌دهنده شخصیت او یکی از بیشترین تأثیرها را داشت. و بر اثر پیشرفت‌های گوناگون، امروز به نصاب قابل قبولی از اعتماد به نفس دست یافته است. بیم آن هست که در عرصه جنگ‌های روانی و تبلیغاتی و به اصطلاح جنگ نرم بین ما و دشمنانی که بسیار اصرار بر ادامه این نبرد دارند، این اعتماد به نفس یا خدشه پیدا کند، یا تضعیف شود، متزلزل بشود یا لااقل در حدی که ملت ما به آن احتیاج دارد، پیش نرود. ما در نیمه راهیم. من به عیان می‌بینم که در ذهن و زبان و عمل بسیاری از برجستگان کشورمان این اعتماد به نفس هنوز به حد نصاب لازم نرسیده است» (دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های استان یزد، ۸۶/۱۰/۱۳).

ایجاد اعتماد به نفس به روش‌های گوناگون میسر است، از جمله نقش دهی بیشتر به



مردم در اداره امور جامعه و اعتماد کردن به آنها. به بیان فوکویاما، تصدی‌گری دولت‌ها در انجام فعالیت‌هایی که بهتر است به بخش خصوصی یا جامعه مدنی گذاشته شود، تأثیری به شدت منفی بر سرمایه اجتماعی بر جای می‌گذارد (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۹۵). به هر میزان که مردم خود را در اداره امور جامعه مؤثر احساس کنند، علاوه بر تقویت ارتباطات درون‌گروهی که از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی است، خود را در مسائل مرتبط با امنیت (روانی، اجتماعی و فیزیکی) شریک می‌دانند. اگر دولت در همه امور دخالت کند، مردم به دولت وابسته می‌شوند و توانایی‌های خودجوش خود را برای تعامل و کار کردن با یکدیگر از دست می‌دهند. دولت‌ها می‌توانند با تعریف و تثبیت حقوق مالکیت و برقراری امنیت عمومی به روند اعتماد به نفس جامعه و بازتولید سرمایه اجتماعی کمک فراوان کنند.

نتیجه‌گیری

«زندگی امن»، نخستین و عالی‌ترین خواسته بشر است، چرا که در سایه تحقق آن، سایر درخواست‌ها امکان تحقق می‌یابد. از این رو، «جامعه امن» در نگاه استراتژیست‌های مدرن، زیربنای توسعه پایدار تلقی می‌شود؛ و در مقام اهمیت، همنشین قدرت و منافع ملی است.

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، «سرمایه اجتماعی» به عنوان یکی از شاخص‌های قدرت نرم، از نقش‌حایز اهمیتی در تولید امنیت برخوردار است. سرمایه اجتماعی، نوعی توانایی است که از گسترش اعتماد در یک یا بخش‌های خاصی از جامعه ناشی می‌شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند در کوچک‌ترین و پایه‌ای‌ترین گروه اجتماعی (خانواده)، و نیز در بزرگ‌ترین گروه (ملت) و در همه گروه‌های حد فاصل، تجسم یابد.

سرمایه اجتماعی و قدرت نرم، در واقعی و ناب‌ترین شکل آن در صحنه انقلاب اسلامی ایران متجلی گردید. پیروزی انقلاب اسلامی و پایداری ملت ایران در هشت سال دفاع مقدس، مرهون شناخت کامل حضرت امام خمینی (ره) از تأثیر مهم این عامل بود و توانست با بهره‌گیری از این سرمایه معنوی، بر قدرت سخت نظام حاکم غلبه یابد.

سرمایه اجتماعی اما، همانند تمامی سرمایه‌ها، نیازمند مراقبت و نگهداری است



تا آفات موجود بر سر راه، مانع رشد و یا نابودی آن نگردد. با دقت و تامل در مفاهیمی مانند «اعتماد»، «اعتبار»، «وفاداری» و «امید»، به مثابه شاخص های سنجش سرمایه اجتماعی، به خوبی در می یابیم که یکی از اهداف مهم جنگ نرم، مخدوش سازی و تزلزل در این مولفه ها می باشد. اگر حریف بتواند در جامعه ای اعتماد میان مردم با یکدیگر و حکومت را مخدوش نماید، «اعتبار» موجود را تضعیف کند، وفاداری ها را تقلیل دهد و امیدها را کم وزن و یا از بین ببرد، توانسته است شالوده های امنیت آفرینی را سست نموده و آن کشور را در معرض نا امنی و فرو پاشی قرار دهد.

آسیب شناسی علل عدم شکل گیری مطلوب سرمایه اجتماعی؛ لزوم تغییر رویکرد در امنیت سازی؛ و تقویت و تعمیق مولفه های سرمایه اجتماعی در جامعه، از جمله راه کارهای پیشنهادی و مورد تاکید مقاله برای برقراری امنیت پایدار جمهوری اسلامی ایران بوده است.

منابع فارسی

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰)، فرهنگ و امنیت جهانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- باولز، ساموئل (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و حاکمیت در اجتماع، ترجمه خاکباز و پویان، تهران: نشر شیرازه، چاپ دوم.
- برنامه چهارم و پنجم توسعه کشور.
- بیکر، واین (۱۳۸۲)، مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه سیدمهدی الوانی و محمدرضا ربیعی، تهران: انتشارات مدیریت صنعتی.
- پاول، فرد (۱۳۸۷)، «ضرورت آینده پژوهی و رویکرد فعال به توسعه و نظم و امنیت عمومی»، فصلنامه امنیت و نظم، ش ۲، سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- پوتنام، روبرت (۱۳۸۴)، جامعه برخوردار؛ سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی (کتاب سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه)، ترجمه خاکباز و پویان، تهران: شیرازه.
- خامنه‌ای، سید علی، مجموعه بیانات.
- رجب‌زاده، احمد (۱۳۸۲)، رفتارهای فرهنگی ایرانیان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی.
- رضایی، علیرضا (۱۳۸۷)، «آسیب‌شناسی فرهنگی: تبیین مفهومی، نظری و راهبردی»، تهران، فصلنامه مهندسی فرهنگی، انتشارات شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره ۱۷ و ۱۸.



- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۳)، «اعتماد و انومی؛ انومی یا آشفتگی اجتماعی»، پژوهشی در زمینه پتانسیل انومی در شهر تهران.
- رهنمایی، سید احمد (بی تا)، آسیب‌شناسی فرهنگی، تهران: انتشارات سازمان فرهنگی-هنری شهرداری تهران.
- زنگنه، حمید (۱۳۸۳)، «استراتژی امنیت»، سایت باشگاه اندیشه.
- سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴.
- علاقه‌بندی، مهدی (۱۳۸۴)، «درآمدی بر سرمایه اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی فصل نو، نقل از: www.fasleno.com
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، سرمایه اجتماعی و امنیت انتظامی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، پایان نظم، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- قالیباف، محمدباقر و امیر قدسی (۱۳۹۰)، «مهندسی فرهنگ و نقش سرمایه اجتماعی در اقتصاد نوین»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ش ۵۱ و ۵۲.
- قدسی، امیر (۱۳۸۹)، جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم ج.ا.ا، مرکز تحقیقات راهبردی.
- کاظمی پور، عبدالحمید (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی در ایران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، انتشارات طرح‌های ملی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نشر نی، چاپ اول.
- ماندال، رابرت (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی: تهران، چاپ دوم.
- مصطفوی، سید محمدحسن (۱۳۸۷)، «عوامل تأثیرگذار بر سطح سرمایه اجتماعی و راهکارهای ارتقای آن»، تهران، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۲۳ و ۲۴.
- نظر آهاری، رضا (۱۳۷۵)، «نقش و اهمیت سیاسی اسلام در روابط بین‌الملل»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، س ۱۱، شماره ۱۱۳ و ۱۱۴.



منابع لاتین

- Coleman, James (1990), *Foundations of Social Theory*, Cambridge: Harvard University Press.
- Fukuyama, F. (1999), *Trust: The Social Virtues and the Creation of Prosperity*, London: Hamish Hamilton.
- Putnam, R. D. (1993), *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.
- Stone, Wendy, (2000), "Social Capital، Social Cohesion and Social Security", Presented at the *International Research Conference on Social Security*.

